

پروژه بلواسکای؛ پروتکل غیرمتمرکز توییتر که شبکه‌های اجتماعی را متحول می‌کند - دیجیاتو

شایان ضیایی | یکشنبه، ۲۸ دی ۱۳۹۹

طی هفته گذشته جک دورسی، مدیر عامل توییتر، بالاخره پاسخی عمومی برای چرایی بن شدن دونالد ترامپ از پلتفرم کمپانی خود ارائه کرد و نوشت که توییتر «با شرایطی منحصر به فرد و نامتعارف» روبه‌رو شده بود. او می‌گوید که شخصا از این تصمیم «احساس غرور» نمی‌کند. در همین رشته توییت، او ضمنا به صحبت راجع به تلاشی تازه به نام «Bluesky» پرداخت که خود توییتر اسپانسر آن شده و قرار است به ساخت یک «استاندارد تمرکز زدایی شده و باز برای شبکه‌های اجتماعی» منجر شود و توییتر تنها یکی از اجزای آن خواهد بود.

محققانی که روی پروژه Bluesky کار می‌کنند می‌گویند این پروژه هنوز در مراحل ابتدایی توسعه به سر می‌برد، اما پتانسیلش را دارد که داینامیک قدرت را در وب اجتماعی دگرگون کند.

Bluesky قرار است یک استاندارد «پایدار» برای وب تعیین کند که در نهایت به حصول اطمینان از این منجر خواهد شد که پلتفرم‌هایی مانند توییتر مسئولیت متمرکز کمتری در تصمیم‌گیری راجع به اینکه چه جوامع و کاربرانی باید در اینترنت صدایی داشته باشند، عهده‌دار خواهند بود. درحالی که این کار می‌تواند به محافظت از آزادی بیان گروه‌های اقلیت منجر شود، از سوی دیگر شانس برای ظهور تکنیک‌های مدیریت محتوای جدید و جلوگیری از افراطی‌گری در فضای آنلاین نیز وجود خواهد داشت.

Bluesky چیست؟



درست مانند دنیای بیت کوین که در آن خبری از بانکی مرکزی نیست که بر پول کنترل داشته باشد، پروتکل شبکه اجتماعی تمرکز زدایی شده هم هیچ سیستم حکومت واحدی ندارد و این یعنی توئیتر تنها قادر به اپلیکیشن خودش روی Bluesky است و نه هیچ اپلیکیشن دیگری که از این پروتکل استفاده می‌کند.

این سیستم باز و مستقل به اپلیکیشن‌ها اجازه می‌دهد که قادر به مشاهده، جستجو و تعامل با تمام محتویاتی باشند که از استاندارد پشتیبانی کرده‌اند. توئیتر امیدوار است که این پروژه پا را فراتر از رابط برنامه‌نویسی کنونی توئیتر گذاشته و به توسعه‌دهندگان اجازه دهد که اپلیکیشن‌هایی با رابط‌های کاربری و الگوریتم‌های مدیریت محتوای گوناگون بسازند. از سوی دیگر، با پرداخت پول به شرکت‌های پیرو این پروتکل مانند خود توئیتر، امکان دسترسی فوری به ابزارهای مدیریت محتوا یا شبکه‌های احراز هویت نیز مهیا خواهد بود.

یکی از افرادی که در نخستین روزهای Bluesky روی این پروژه کار کرده می‌گوید یک پروتکل گسترده و تمرکز زدایی شده، فرصتی برای شبکه‌های اجتماعی خواهد بود تا مسئولیت مدیریت محتوا را به شبکه‌ای بزرگ‌تر بسپارند و هر اپلیکیشن در پروتکل نیز به صورت مجزا قادر به تصمیم‌گیری راجع به این خواهد بود که کاربران به کدام اکانت‌ها و شبکه‌ها دسترسی نخواهند داشت.

پلتفرم‌هایی مانند [پارلر](#) و Gab در تئوری قادر به بازسازی شبکه‌هایشان روی Bluesky خواهند بود و از ثبات و مزایای چنین پروتکل بازی بهره خواهند برد. محققان دخیل در پروژه ضمنا می‌گویند که چنین سیستمی می‌تواند به معنای برداشتن گام‌های معنادار در جهت مقابله با سانسور دولتی و

حفاظت از آزادی بیان گروه‌های اقلیت در سراسر جهان باشد.



Bluesky اکنون صرفاً در فاز پژوهش به سر می‌برد و حدوداً ۴۰ الی ۵۰ عضو فعال در جامعه تکنولوژی تمرکز زدایی شده مشغول بررسی ابعاد مختلف نرم‌افزار و چشم‌انداز اینکه پروتکل باید در غایی‌ترین حالت چه شکل و شمایلی داشته باشد هستند. توییتر به نخستین اعضای این پروژه گفته که امیدوار به استخدام یک مدیر پروژه طی هفته‌های آتی است تا تیمی مستقل تشکیل شده و روند توسعه پروتکل آغاز شود.

اوایل سال گذشته میلادی بود که نخستین اعضای Bluesky از سوی پاراگ آگراوال، مدیر ارشد فنی توییتر، به پروژه دعوت شوند. سپس مشخص شد که این گروه باید به مکالمه با دیگر گروه‌های برجسته و فعال در حوزه شبکه‌های تمرکز زدایی شده مانند Mastodon و ActivityPub نیز بپردازد.

جی گرابر، موسس شبکه اجتماعی تمرکز زدایی شده Happening به صورت پروژه‌ای با توییتر همکاری کرد تا یک نقد فنی راجع به اکوسیستم شبکه‌های اجتماعی تمرکز زدایی شده بنویسد و این کار بدان خاطر انجام شد که توییتر بتواند گزینه‌های موجود در این فضا را از نظر رد کند.

توییتر تصمیم گرفته که بهترین رویکرد در توسعه Bluesky این خواهد بود که گروهی مستقل از کمپانی پروژه را پیش برد. این گروه در تعیین ابعاد و چشم‌انداز پروژه با مدیران توییتر اندکی کشمکش داشته و در نهایت لیستی از اهداف برای پروژه تعیین شده که به تایید توییتر نیز رسیده‌اند. توییتر به تعیین چالش‌هایی می‌پردازد که پروتکل Bluesky باید در صدد برطرف‌سازی آن‌ها برآید و در عین حال تصمیم می‌گیرد که بهتر است کدام مسئولیت‌ها بر دوش سازندگان یک پلتفرم در بطن این استاندارد باقی بماند.

چه کسی در پروژه دخیل است؟



در مستندات تهیه شده برای Bluesky، به مشکلاتی اشاره شده که از قضا جزو بزرگ‌ترین کمکاری‌های توییتر هم به حساب می‌آیند. برای مثال می‌توان به چالش «چگونگی جلوگیری از به سرقت رفتن مکانیزم‌های وایرال شدن از سوی موضوعات بحث‌برانگیز و خشم عمومی» و همینطور تمایل به توسعه «مکانیزم‌های قابل شخصی‌سازی» برای مدیریت محتوا اشاره کرد. البته که در این مستندات آمده که اپلیکیشن‌ها و نه تمام پروتکل «در نهایت مستعد کارهایی نظیر پایین کشیدن محتوا و سانسور خواهد بود».

ایوان هنشاو-پلات، یکی از اعضای این گروه می‌گوید: «به نظرم راه حل مشکل الگوریتم‌ها این نیست که از شر الگوریتم‌ها خلاص شویم - زیرا مرتب کردن پست‌ها به صورت زمانی خود یک الگوریتم است - راه حل اینست که سیستمی بسازیم که در آن می‌توانید به آزمون و خطا با الگوریتم‌های مختلف بپردازید و ببینید کدام بیشتر به مذاقتان خوش می‌آید یا از آن الگوریتمی استفاده کنید که مورد پسند دوستان‌تان است». هنشاو-پلات یکی از نخستین کارمندان توییتر بوده و برای مدتی طولانی نیز به توسعه شبکه اجتماعی تمرکز زدایی خودش به نام Planetary پرداخته.

پلتفرم او بر مبنای پروتکل امن اسکاتلبات بنا شده که به کاربران اجازه می‌دهد به صورت آفلاین و رمزنگاری شده، به گشت‌وگذار در شبکه‌ها بپردازند. از همان ابتدا، Planetary مشغول صحبت با توییتر بوده تا از این کمپانی و همینطور شخص جک دورسی سرمایه دریافت کند. اما ذات رقابتی

این پلتفرم باعث نگرانی وکلای توییتر بود و سرمایه Planetary در نهایت توسط بیز استون، یکی از هم‌موسسین توییتر و عضو کمپانی سرمایه‌گذاری Future Positive تامین شد.

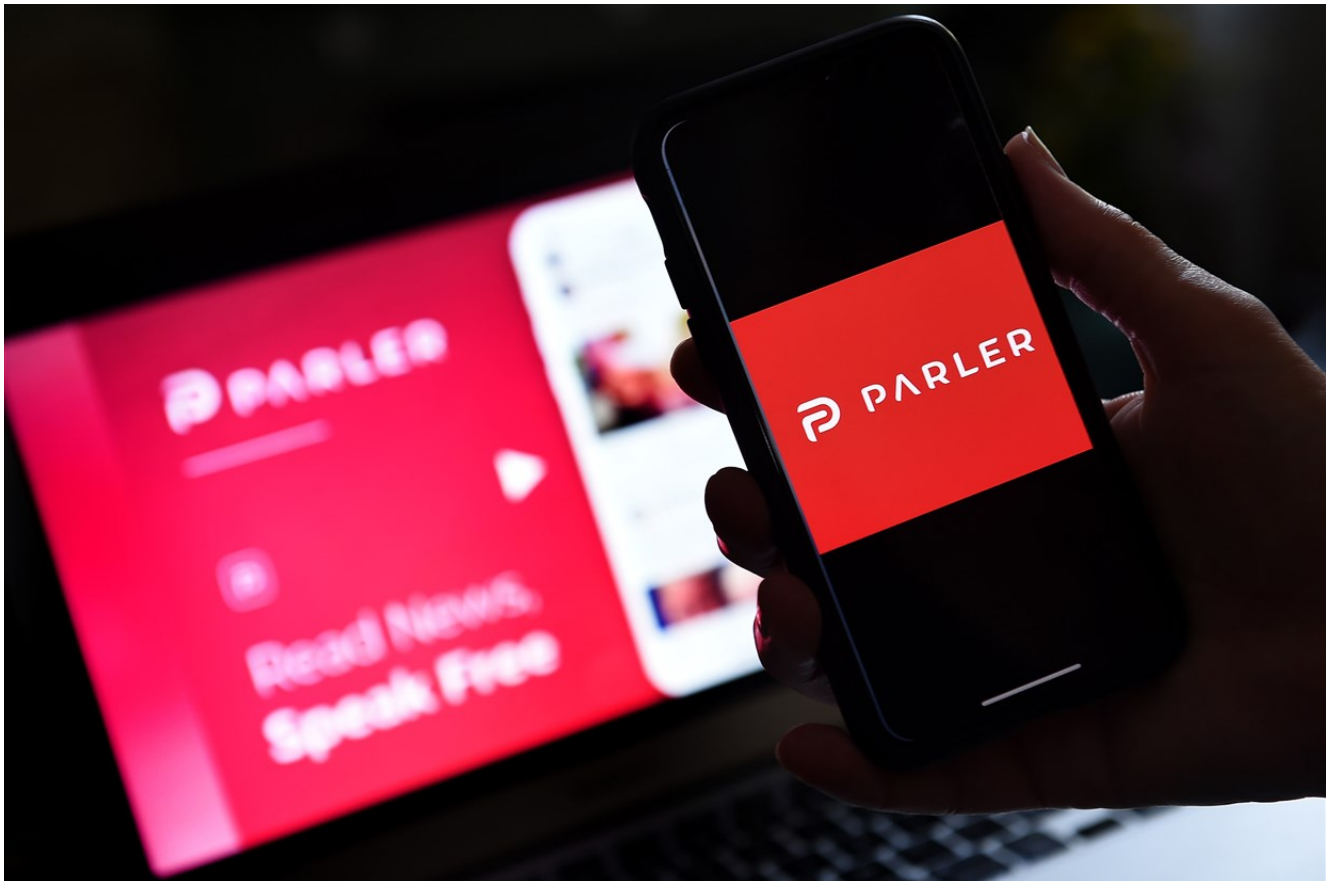
بعد از توافق بر سر اهداف، توییتر در ابتدا امیدوار بود که تیمی گسترده با اعضای که اهدافی یکسان داشتند تشکیل شود، اما نقطه نظرهای گوناگون در تیم باعث شد که توییتر حاضر به پذیرش ایده‌های مختلف از سوی هر عضو تیم شود. برخی به توییتر فشار آوردند که با استانداردهای از پیش موجود تطبیق یابد یا آن‌ها را به تکامل برساند، برخی دیگر هم می‌خواستند Bluesky کنش‌پذیری با استانداردهای مختلف را مد نظر قرار دهد تا معلوم شود کاربران به صورت ذاتی به چه رویه‌ای کشش دارند.

یکی از توسعه‌دهندگان حاضر در گروه که امیدوار است Bluesky را به پلتفرم خودش بیاورد، یوجین راجگو، خالق Mastodon است. او عقیده دارد که اکنون بیشتر از هر زمان دیگر به ایجاد تغییراتی بنیادین در شیوه کارکرد پلتفرم‌های اجتماعی در سراسر جهان نیاز داریم. او می‌گوید: «بن کردن ترامپ تصمیمی درست بود که البته اندکی دیر اتخاذ شد. اما در عین حال، ذات ماجرا این گونه است که با خودمان می‌گوییم شاید این تصمیم نباید تنها برعهده یک کمپانی آمریکایی باشد».

مثل بسیاری دیگر از اعضای گروه، راجگو هم گاهی تردیدهای خودش را راجع به انگیزه‌های توییتر در ساخت پروتکل Bluesky داشته است. مدت کوتاهی بعد از معرفی پروژه در سال ۲۰۱۹ از سوی جک دورس، اکانت رسمی Mastodon در توییتر، تویییتی شدیداً انتقادی پست کرد و نوشت: «این اعلامیه‌ای راجع به اختراع چرخ از نو نیست. این اعلامیه مربوط به ساختن پروتکلی است که تحت کنترل توییتر خواهد بود، همانطور که گوگل اندروید را کنترل می‌کند».

امروز می‌توان بحث کرد که Mastodon یکی از بالغ‌ترین پلتفرم‌های اجتماعی تمرکز زدایی شده در جهان است. راجگو مدعی شده که شبکه نودهای تمرکز زدایی شده کمپانی‌اش، بیش از ۲.۳ میلیون کاربر در هزاران سرور مختلف دارد. اوایل سال ۲۰۱۷ میلادی، این پلتفرم در توییتر وایرال شد و «صدها هزار» کاربر جدید و چند سرمایه‌گذار ارزشمند سر از Mastodon درآوردند.

ریسک‌های ذاتی



اما تمام توجه‌هایی که راجکو و کمپانی‌اش به دست آورده‌اند در جهت مثبت نبوده است. در سال ۲۰۱۹، Gab که شبکه اجتماعی محبوب افراطی‌های باله راست به حساب می‌آید، تمام پلتفرم خود را به شبکه Mastodon آورد و ساختاری یکپارچه با کدنویسی‌های متن‌باز آن یافت. به این ترتیب بزرگ‌ترین شبکه کاربران خود و بزرگ‌ترین نواقص خود را یکجا روانه Mastodon کرد.

راجکو فوراً همکاری با این شبکه تازه را منتفی کرد و نه‌تنها تصمیم به جدا کردن نودهای Mastodon از نودهای Gab گرفت، بلکه سایر سازندگان اپلیکیشن‌ها را نیز به کاری مشابه ترغیب کرد. و این‌گونه بود که بزرگ‌ترین سناریوی ترسناک تلاش‌های تمرکز زدایی شده به واقعیت بدل شد. نخستین «داستان موفقیت» واقعی Mastodon، این بود که به خانه جدید راست‌های افراطی تبدیل شد.

طی هفته گذشته، صاحبان استورهای اپلیکیشن تصمیم به حذف یک شبکه اجتماعی دیگر (پارلر) که متعلق به راست‌های افراطی است گرفتند و این ترس دوباره به جان جوامع حامی شبکه‌های تمرکز زدایی شده افتاد. علت پایین کشیدن پارلر از استورها این بود که بعد از حمله شورشیان به کپیتول در واشنگتن، محتوای خشونت‌آمیز سر از این وب‌سایت درآوردند. و به همین خاطر، برخی توسعه‌دهندگان نگران بودند که این شبکه اجتماعی خانه جدیدش را در استانداردهای تمرکز زدایی شده آن‌ها بیابد.

ایمی بیونسی، محققی که به بررسی حضور افراطی‌ها در شبکه‌های تمرکز زدایی شده پرداخته می‌گوید: «فاشیست‌ها به طور یقین از تکنولوژی‌های هم‌تا به هم‌تا استفاده خواهند کرد. آن‌ها

همین حالا دست به چنین کاری زده‌اند و در آینده نیز استفاده گسترده‌تری خواهند داشت... اگر آن‌ها از زیرساخت عمومی بیرون رانده شوند یا مردم به صورت نزدیک به پایش آن‌ها بپردازند، این گروه‌ها در واقع انگیزه‌هایی تازه خواهند داشت. احتمالاً افراطیان راست زودتر از افرادی که آن‌ها را بد می‌پندارند جای پایشان را در فضای هم‌تا به هم‌تا محکم کنند، زیرا آن‌ها اساساً از پلتفرم‌های دیگر طرد شده‌اند».

یکی از اصلی‌ترین نگرانی‌ها اینست که با رواج یافتن پلتفرم‌های تمرکز زدایی شده از طریق پروژه‌هایی نظیر Bluesky، افراطیانی که از پلتفرم‌های کنونی بیرون رانده شده‌اند، راهی دسترس‌پذیرتر برای حفظ مخاطبان خود خواهند داشت و اتفاقاً به کاربران کژوال اینترنت، مسیری کم‌دردتر و باکیفیت‌تر برای رسیدن به عقاید رادیکالی ارائه خواهند کرد.

البته که استفاده افراطی‌ها از تکنولوژی‌هایی که قرار است به حفظ حریم شخصی و رمزنگاری بهتر داده‌ها منجر شوند به هیچ‌وجه پدیده‌ای تازه نیست. اپلیکیشن‌های پیام‌رسان رمزنگاری شده مانند سیگنال و تلگرام برای مدتی طولانی در قلب این مباحثات بوده‌اند. بیونسی اشاره می‌کند که تمایل افراطیان راست به استفاده از این شبکه‌های تمرکز زدایی شده، در نظر توسعه‌دهندگان این شبکه‌ها «شدیدا دلسردکننده» بوده است. اما باید این را نیز در نظر داشت که همین تکنولوژی می‌تواند مزایای فراوانی برای تمام گروه‌های اقلیت در سراسر جهان داشته باشد.

اگرچه افرادی که در پروژه Bluesky مشارک دارند، مسیر توسعه و استفاده عمومی از این پروتکل را بسیار طولانی می‌بینند، اما در حین حال می‌گویند که بعد از ماجرای پارلر و [پلتفرم‌زدایی رییس](#) [جمهور آمریکا](#)، شاهد چشم‌اندازی در حال دگرگونی هستند و امیدوارند که سهام‌داران در نهایت با ادغام پلتفرم‌های زیر نظر خود با این استاندارد موافقت کنند.

[دیجیاتو](#)